

## Explaining the Concept of Architectural Mentality through Applying a Hypothesis about Emergence of the Term, Pir-Neshin\*

Somaye Jalali-e Milani<sup>1</sup> iD, Ahad Nejadebrahimi<sup>\*\*2</sup> iD, Hamed Beyti<sup>3</sup> iD, Ali Vandshoari<sup>4</sup> iD

<sup>1</sup> PhD of Islamic Architecture, Department of Architecture and Islamic Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

<sup>2</sup> Professor, Department of Architecture and Islamic Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

<sup>3</sup> Associate Professor, Department of Architecture and Islamic Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

<sup>4</sup> Associate Professor, Department of Rug, Faculty of Rug, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

(Received: 22 Apr 2023; Received in revised form: 13 Jun 2023; Accepted: 22 Jun 2023)

In recent years, the concept of “mentality” has found its way into architectural research especially within the realm of Persian historic architecture, often framed as a research approach known as history of public mentality. While this approach extends beyond architectural history studies and has been employed in various historical fields in the West for decades, there remains a gap in understanding the essence of mentality and its role in relation to architecture. A nuanced comprehension of this concept, including its functions, or its determinants and components is crucial, especially in architectural studies, where it can serve as a valuable tool for sourcing reliable data and informing research process. The main goal of this paper is to explain and consolidate the interdisciplinary notion of “architectural mentality” -as a complex interplay of thoughts, beliefs, attitudes, imaginations, and wishes of the people of a society in relation to architectural issues- and its various dimensions, relying on existing sociological explanations of the concept of mentality, and applying logical argumentation research method. Through a comprehensive literature review, the paper examines existing definitions and explanations presented so far for the concept of mentality and its features, functions, determinants and components are drawn out from existing sources. Then the concept of architectural mentality is consolidated through discussing various examples, using inductive reasoning. At the next step, relying on the explanations about the concept of mentality based on the theory of social construction of reality, and by applying deductive reasoning, the concept of architectural mentality is explained. To facilitate a

clearer discussion of the concept's dimensions, the word “Pir-Neshin” –which in Persian means a place where old people can sit and refers to the platforms in both sides of the entrance doors of Persian historic buildings- is selected as one example of architectural mentality in Iran. Through this lens the features, functions, determinants and components of architectural mentality are examined. The findings underscore, architectural mentalities are social constructions of architectural realities within specific temporal and spatial contexts. They operate at unconscious and dispositional level, shaping habits, and serving as tools for attaining knowledge about architectural realities. Architectural mentalities are determined by factors based on cultural structures, collectivity, time and space encompassing Architectural thinking (thinking about architectural realities), architectural imagining (imagining about various features of an architectural reality), architectural feeling (feelings that individuals experience while confronting with architectural realities) and architectural acting (the action containing a specific meaning that individuals perform when confronting with architectural realities). Additionally, contemporary manifestations of architectural mentality such as Pir-neshin reflect ongoing social constructions in response to architectural contexts.

### Keyword

Architectural Mentality, Pir-Neshin, Social Construction, Architectural Reality.

**Citation:** Jalali-e Milani, Somaye; Nejadebrahimi, Ahad; Beyti, Hamed; & Vandshoari, Ali (2023). Explaining the concept of architectural mentality through applying a hypothesis about emergence of the term, Pir-Neshin, *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 28(2), 51-62. (in Persian) DOI: <https://doi.org/10.22059/jfaup.2023.344714.672777>



\*This article is extracted from the first author's doctoral dissertation entitled: “Understanding the architectural mentalities of Qajar era about house façade based upon reading the facades of Tabriz Sorkhab zone houses” under the supervision of the second author and the advisory of the third and fourth authors at the Tabriz Islamic Art university.

\*\*Corresponding Author: Tel:(+98-914) 4113198, E-mail: ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir

## تبیین مفهوم ذهنیت معماریانه با بهره‌گیری از فرضیه‌ای در باب پیدایش مفهوم پیرنشین\*

سمیه جلالی میلانی<sup>۱</sup>، احد نژادابراهیمی<sup>۲\*</sup>، حامد بیٹی<sup>۳</sup>، علی وندشعاری<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> دکتری معماری اسلامی، گروه معماری و معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

<sup>۲</sup> استاد گروه معماری و معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

<sup>۳</sup> دانشیار گروه معماری و معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

<sup>۴</sup> دانشیار گروه فرش، دانشکده فرش، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۰۲، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۲۳، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱)

### چکیده

چندی است که مفهوم ذهنیت در پژوهش‌های حوزه‌ی تاریخ معماری ایران به‌عنوان رویکردی مطالعاتی تحت عنوان تاریخ ذهنیت عامه به‌کار بسته می‌شود. با وجود پژوهش‌هایی در تبیین رویکرد یادشده، چیرستی مفهوم ذهنیت در ارتباط با معماری کم‌تر مورد توجه بوده‌است. در این نوشتار، ضمن معرفی مفهوم میان‌رشته‌ای «ذهنیت معماریانه» به‌عنوان مجموعه افکار، باورها، نگرش‌ها، خیالات و آرزوهای مردم یک اجتماع در ارتباط با موضوعات معماریانه، با اتکا بر راهبرد پژوهش استدلال منطقی، ابتدا این مفهوم از طریق طرح مصادیق مختلف برای آن و با بهره‌گیری از استدلال استقرایی تثبیت شده، سپس با اتکا بر تبیین‌های صورت‌گرفته از مفهوم ذهنیت مبتنی بر نظریه ساخت اجتماعی واقعیت، و با بهره‌گیری از روش استدلال قیاسی، تبیین می‌گردد. برای روشن‌تر شدن ابعاد موضوع، مفهوم «پیرنشین» به‌عنوان یکی از مصادیق ذهنیت‌های معماریانه ایرانیان، انتخاب و تلاش می‌شود تا ابعاد مفهوم ذهنیت معماریانه با اتکا بر ویژگی‌های این مصداق، وضوح بیشتری یابد. براساس نتایج پژوهش، ذهنیت‌های معماریانه، ساخت‌های اجتماعی زمان و مکانی مشخص، از واقعیات معماریانه‌اند؛ که به‌صورتی ناخودآگاه، شیوه‌های تفکر، تخیل، احساس کردن و کنش مردم آن زمان و مکان را در ارتباط با این واقعیات تحت تأثیر قرار می‌دهند. چنان‌که پیرنشین نیز می‌تواند ساخت اجتماعی دوران معاصر از سکوه‌های دوسمت ورودی بناهای تاریخی انگاشته شود.

### واژه‌های کلیدی

ذهنیت معماریانه، پیرنشین، ساخت اجتماعی، واقعیت معماریانه.

استناد: جلالی میلانی، سیمیه؛ نژادابراهیمی، احد؛ بیٹی، حامد و وندشعاری، علی (۱۴۰۲)، تبیین مفهوم ذهنیت معماریانه با بهره‌گیری از فرضیه‌ای در باب پیدایش

مفهوم پیرنشین، نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۲۸(۲)، ۵۱-۶۲. DOI: <https://doi.org/10.22059/jfaup.2023.344714.672777>

\* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «فهم ذهنیت معماریانه در دوره قاجار از نمای خانه، براساس خوانش نماهای خانه‌های محله سرخاب تبریز» می‌باشد که با راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارندگان سوم و چهارم در دانشگاه هنر اسلامی تبریز ارائه شده است.

\*\* نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۴۴۱۱۳۱۹۸، E-mail: [ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir](mailto:ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir)



## مقدمه

در بردارنده‌ی نگرش‌ها یا خواست‌های عمومی ذهنی یک جمع - در زمان و مکانی مشخص - نسبت به معماری بناها و شهرهایشان باشد. در واقع هدف از گزینش چنین اصطلاحی و تلاش برای تبیین آن در این نوشتار، سعی بر توضیح دادن تأثیرات متقابل افکار، نگرش‌ها و خواست‌های ذهنی کمابیش ناخودآگاه گروه‌های مختلف اجتماعی از یک طرف و موضوعات معماریانه‌ای که با آن در ارتباطند از طرف دیگر، از طریق مفهومی واحد است. با این اوصاف روشن است که ذهنیت معماریانه، متفاوت از مفاهیمی چون تفکر معماریانه (براون، ۱۳۹۶) اندیشه‌ی معماری و یا تفکر طراحی (خاک‌زند و فیضی، ۱۳۸۴) است که عموماً در حوزه‌ی مباحث آموزش معماری و یا مبانی نظری معماری کاربرد دارند؛ به طوری که هر یک از این مفاهیم نهایتاً ممکن است بتوانند در ذیل مفهوم ذهنیت معماریانه مورد بررسی قرار گیرند. ضمن این که انتخاب آگاهانه‌ی واژه‌ی معماریانه - نه معماریانه - این تفاوت را بارزتر می‌سازد؛ چراکه با اضافه شدن پسوند «انه» به کلمه معماری - که نوعی پسوند صفت‌ساز از اسم است - اصطلاح ذهنیت معماریانه به معنای ذهنیت‌هایی خواهد بود که به معماری بناها - و نه به معماران بناها - ارتباط دارند. لازم به ذکر است که پیش‌تر واژه «معماریانه» را قیومی بیدهندی (۱۳۸۸) در قالب عباراتی چون رسایل معماریانه، معارف معماریانه، استعداد معماریانه، نکته معماریانه، یافته معماریانه، اطلاعات معماریانه، واژه معماریانه و مطالب معماریانه به کار برده است. همچنین غلامعلی فلاح (۱۴۰۰) اصطلاح تاریخ معماریانه در ترجمه *architectural history* را که منظور از آن مطالعات تاریخی با رویکرد معماریانه است، در برابر اصطلاح تاریخ معماری در ترجمه *history of architecture* که منظور از آن مطالعه تاریخی درباره معماری است، معرفی و تبیین نموده است.

به این ترتیب براساس آن چه گفته شد، پژوهش پیش‌رو بر آن است که با اتکا بر مفهوم ذهنیت معماریانه - که مشخصاً تأکید بر مفهوم ذهنیت در حوزه‌ی موضوعات مرتبط با معماری دارد - تعریف، کارکردها و عوامل تعیین‌کننده و تشکیل‌دهنده‌ی ذهنیت در ارتباط با موضوعات معماری را تبیین نموده و از این طریق مبنایی نظری برای مطالعات آتی در این حوزه ارائه دهد. ضمن این که برای پیش‌برد چنین هدفی، پیدایش مفهوم پیرنشین را به عنوان یکی از مصادیق ذهنیت معماریانه ایرانیان مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

در سال‌های اخیر، بهره‌گیری از واژه ذهنیت در ادبیات معماری ایران افزایش یافته است. ردپای این واژه را هم در مطالعات حوزه تاریخ معماری و هم در مباحث مربوط به تفکر طراحی و تبیین مؤلفه‌های ذهنی اثرگذار در شکل‌گیری فرم معماری می‌توان یافت. در مطالعات تاریخ معماری این واژه عموماً در قالب یک رویکرد مطالعاتی تحت عنوان «تاریخ ذهنیت عامه» (قیومی و شمس، ۱۳۹۱) که تلاش می‌کند ریشه‌ها و دلایل پدیده‌های معماری وقوع یافته در یک دوره تاریخی را در ذهنیت‌های مردمان آن دوره جست‌وجو کند، می‌توان مشاهده نمود (به عنوان مثال ر. ک. تمسکی و اهری، ۱۳۹۱). پیشینه این واژه را در مباحث مربوط به تفکر طراحی نیز می‌توان در مجموعه مواردی که یک طراح تحت تأثیر ارزش‌های قومی، نژادی، اجتماعی و فرهنگی به طور ناخودآگاه در طراحی اش به کار می‌برد یافت (محمودی، ۱۳۸۳، ۳۳). با این حال در این مطالعات و مباحث کم‌تر می‌توان تبیین روشنی از مفهوم ذهنیت، کارکردهای آن و یا مؤلفه‌های تعیین‌کننده و تشکیل‌دهنده آن یافت. باید توجه داشت که ذهنیت در ترجمه‌ی واژه‌ی *mentality*<sup>۱</sup> از مفاهیمی است که بهره‌گیری از آن چه در نوشتارهای علمی و چه در گفتگوهای محاوره‌ای روزانه رواج دارد. جست‌وجو در متون علمی نشان می‌دهد که بهره‌گیری از این واژه در کنار واژه‌ای دیگر برای اشاره بر نوعی رویکرد یا تفاوت نگرش امری معمول است. به عنوان مثال وان پرویزن از اصطلاح «ذهنیت سیاسی»<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) و پلکه (۲۰۱۳) از اصطلاح «ذهنیت مصرف‌کن و دور بینانداز»<sup>۳</sup> بهره برده است. «ذهنیت گله‌ای»<sup>۴</sup> اصطلاح دیگری است که از سوی پژوهشگران برای تبیین طیف وسیعی از رفتارهای اجتماعی توده‌وار به کار بسته می‌شود (رافت، چاتر و فریت، ۲۰۰۹). همچنین اندرسن و لنگ (۲۰۱۰) اصطلاحاتی چون ذهنیت عرب، ذهنیت هندی یا ذهنیت اروپایی را برای تفاوت قائل شدن میان ذهنیت‌های گروه‌های اجتماعی از ملیت‌های مختلف مورد استفاده قرار داده‌اند. در اکثر این نمونه‌ها ذهنیت واژه‌ای است که به منظور توجه بر تفاوت‌های فکری به عنوان پدیده‌های فرهنگی به کار رفته است (پلسک، ۲۰۱۴). فرض این پژوهش آن است که می‌توان همچون اصطلاحات ترکیبی اشاره شده در سطور پیشین، آن دسته از ذهنیت‌هایی را که به نوعی با مؤلفه‌های مربوط به معماری بناها در ارتباطند، تحت عنوان «ذهنیت معماریانه» معرفی و تبیین نمود و از آن برای اشاره بر افکار و نگرش‌های ناخودآگاه مشترک گروهی از افراد نسبت به موضوعات معماریانه بهره برد؛ نوعی فضای ذهنی که می‌تواند

## روش پژوهش

این پژوهش با اتکا بر راهبرد پژوهش استدلال منطقی انجام یافته است. برای این منظور ابتدا مفهوم ذهنیت و بنیان‌های نظری تبیین‌کننده این مفهوم که عموماً در حیطه جامعه‌شناسی روانشناسانه قرار می‌گیرند، از طریق مطالعات کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته و تعریف، کارکردها، و مؤلفه‌های تعیین‌کننده و تشکیل‌دهنده آن بیان می‌گردند. در گام بعدی با اتکا بر روش استدلال استقرایی و از طریق طرح مثال‌های متنوعی از گزاره‌های مرتبط با معماری که از درون متون مختلف انتخاب شده و از بابت داشتن پاره‌ای اشتراکات می‌توانند ذیل یک مفهوم واحد دسته‌بندی

گردند، و سپس تحلیل آن‌ها با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای متون، تلاش می‌شود تا مفهوم ذهنیت معماریانه به عنوان یک مبنای نظری تعمیم‌پذیر بر همه مثال‌های ذکر شده و نیز سایر موارد مشابه تثبیت گردد. سپس با بهره‌گیری از استدلال قیاسی و با تکیه بر مبنای نظری ارائه شده برای مفهوم ذهنیت، اصطلاح ذهنیت معماریانه تعریف و تبیین می‌گردد. لازم به ذکر است که برای هر چه بهتر روشن شدن ابعاد و مؤلفه‌های این اصطلاح، به مفهوم پیرنشین به عنوان یکی از مصادیق ذهنیت معماریانه اتکامی گردید و ضمن بهره‌گیری از این مثال در تبیین کارکردها و مؤلفه‌های تعیین‌کننده و تشکیل‌دهنده ذهنیت معماریانه، سعی می‌شود تا پیدایش آن از این طریق توضیح داده شود.

## پرسش‌های پژوهش

۱. مصادیق ذهنیت معماریانه چه مواردی می‌تواند باشد؟
۲. تعریف، ویژگی‌ها، و مؤلفه‌های تعیین‌کننده و تشکیل‌دهنده‌ی مفهوم ذهنیت معماریانه چیست؟
۳. مفهوم ذهنیت معماریانه چگونه می‌تواند مبنای نظری لازم را برای تبیین نحوه پیدایش مفهوم پیرنشین فراهم سازد؟

## پیشینه پژوهش

استفاده‌ی گذرا و موردی از اصطلاح ذهنیت معماریانه - *Architectural Mentality* - را می‌توان در برخی منابع انگلیسی یافت؛ در حالی که در این منابع تأکید و توجه خاصی بر این اصطلاح برای تبیین معنا یا کاربرد آن صورت نیافته‌است.<sup>۵</sup> با این حال در کتابی تحت عنوان «معماری، ذهنیت‌ها و معنا»<sup>۶</sup> نویسنده به جست‌وجو در باب معنا در ارتباط با شکل‌گیری ذهنیت‌ها در معماری پرداخته‌است. این کتاب به این موضوع پرداخته‌است که معماران چگونه آثار معماری را تفسیر می‌کنند، چگونه رابطه‌ی بین مردم و محیط ساخته‌شده را تصور می‌کنند و چگونه معانی‌ای را که به نظر می‌رسد محیط ساخته‌شده و شهر حامل آنان‌اند، تعریف می‌کنند. از دیدگاه نویسنده تفسیر آن معانی، در قالب سامانه‌هایی از منطق تجسم می‌یابد که ذهنیت‌ها را شکل می‌دهد (مالون، ۲۰۱۷). بر این اساس، ذهنیت معماریانه در این کتاب مفهومی متفاوت از موضوع این نوشتار است که ذهنیت‌های هم‌گروه‌های اجتماعی از واقعیات معماریانه و نه فقط معماران را مدنظر قرار خواهد داد.

در پژوهش‌های فارسی مفهوم ذهنیت در کنار واژه‌ی معماری، در آن دسته از پژوهش‌هایی یافت می‌شود که با رویکرد تاریخ ذهنیت‌ها به مطالعه‌ی پدیده‌ای در تاریخ معماری پرداخته‌اند. قیومی و شمس (۱۳۹۱) از عبارت «تاریخ ذهنیت معماری» برای اشاره بر تأثیر ذهنیت عامه‌ی مردم در طول تاریخ بر شکل‌گیری بناها بهره برده‌اند. سلطانی و ندیمی (۱۳۹۷) عبارت «ذهنیت معمار» را به کار برده و تلاش کرده‌اند تا از طریق مطالعه‌ی متون تاریخی به ذهنیت معماران در باره‌ی معماری دست یابند. سلطانی و ندیمی (۱۳۹۶) همچنین از عبارت «ذهنیت معماری» برای اشاره بر نوع نگرش و ذهنیت مردم عادی نسبت به آثار معماری استفاده کرده‌اند. به‌طور مشخص هیچ‌یک از پژوهش‌های یادشده و سایر پژوهش‌ها با رویکرد تاریخ ذهنیت‌ها، به تبیین مفهوم ذهنیت در ارتباط با معماری نپرداخته‌اند.

## مبانی نظری پژوهش

### مروری بر مفهوم ذهنیت

واژه ذهنیت در فرهنگ فارسی معین (بی‌تا)، نوع تفکر، بینش، و نیز ذهنی‌بودن معنی شده‌است. این واژه ترجمه‌ی واژه‌ی انگلیسی *mentality* است که معنای آن در واژه‌نامه‌ی مریام‌وبستر (بی‌تا) نیرو یا ظرفیت ذهنی و نیز حالت یا روش تفکر و در واژه‌نامه‌ی کمبریج (بی‌تا) شیوه‌ی فکر کردن یک فرد یا گروه در باره‌ی چیزها عنوان شده‌است. با این حال آن چه اهمیت دارد، آگاهی از معنای این مفهوم به لحاظ جایگاه آن در مباحث فلسفی و علمی است. برای تبیین روشن‌تر معنا و کاربرد این مفهوم، باید پیدایش و ورود آن در مباحث علمی را ردیابی کرده و دیدگاه‌های مختلف نسبت به آن را مطالعه نمود.

**الف) پیشینه‌ی استفاده از واژه‌ی ذهنیت:** اولین استفاده‌ها از واژه‌ی ذهنیت (*mentality*) به مباحثات فلسفی انگلیسی قرن هفدهم نسبت داده شده‌است. در این مباحثات، ذهنیت در معنای تأثیرگذاری جمع بر زندگی فرد، روش مشخصی برای تفکر، و نیز ساختار احساسات افراد نسبت به ملیت و یا یک گروه مشخص از مردم، به کار رفته‌است (پلسک، ۲۰۱۴، ۳۹). با این حال توجهات اولیه به این واژه در محافل علمی، به تلاش‌های جنس کرافت<sup>۷</sup> فیلسوف دانمارکی در قرن هیجده باز می‌گردد که در کتابی تحت عنوان روش تفکر بدوی<sup>۸</sup> به چاپ رسید (مولر، ۲۰۰۴، ۱۳۴). در ادامه، این واژه به وسیله‌ی نظریه‌ی «ذهنیت ابتدایی»<sup>۹</sup> لوسین لوی برول<sup>۱۰</sup> به مباحثات دانشگاهی فرانسه معرفی گردید. لوی برول انسان‌شناس، واژه‌ی ذهنیت را برای تمایز قائل شدن میان تفکر ابتدایی و پیشامنتقی (مربوط به جوامع ابتدایی) از تفکر متمدن و منطقی (مربوط به جوامع مدرن) به کار برد (موقن، ۱۳۸۳، ۱۶) هم‌زمان با جنگ جهانی اول، واژه‌ی ذهنیت کاملا در واژه‌شناسی تاریخی فرانسوی جا افتاد؛ چراکه تحقیق و بررسی بر روی ذهنیت‌ها در قالب فعالیت‌های مکتب آنال<sup>۱۱</sup> به شیوه‌ی تاریخ‌نگاری مستقلی تحت عنوان «تاریخ ذهنیت‌ها»<sup>۱۲</sup> منجر گردید (پلسک، ۲۰۱۴، ۴۰). این شیوه‌ی تاریخ‌نگاری رویکردی است که در آن تلاش می‌شود رویدادهای تاریخی یک دوره‌ی زمانی مشخص در مکانی مشخص، با توجه به ذهنیات مردم آن زمان و مکان توضیح داده‌شود. مارک بلوک<sup>۱۳</sup> و لوسین فور<sup>۱۴</sup>، بنیان‌گذاران مکتب آنال، نخستین کسانی بودند که درباره‌ی جایگاه ذهنیت در مطالعات تاریخی سخن گفتند. بلوک در کتاب «مَس ملوکانه»<sup>۱۵</sup> کوشید به این پرسش پاسخ دهد که چرا مردم فرانسه و انگلستان در سده‌ی هجدهم، با وجود این که می‌دیدند مَس شاه نمی‌تواند کسی را از بیماری اسکروفولا-نوعی بیماری پوستی - شفا دهد، به شفابخشی او بی‌اعتقاد نمی‌شدند. او با رجوع به ذهنیات مردم آن زمان و با تکیه بر آرای لوی برول به این نتیجه رسید که این باور یا توهم جمعی، منشا یافته از «ذهنیت ابتدایی» مردمان آن دوره است؛ ذهنیتی که رغبت به باور کردن چیزهایی دارد که با تجربه در تضاد است (برک، ۱۳۸۱، ۱۱۳-۱۱۲). چنین گفته‌می‌شود که اندیشمندان مکتب آنال، در بهره‌گیری از واژه‌ی ذهنیت، ملهم از آرای امیل دورکیم<sup>۱۶</sup> - جامعه‌شناس فرانسوی - در باب اصطلاح «وجدان جمعی»<sup>۱۷</sup> بوده‌اند (همان، ۱۱۲). از دیدگاه دورکیم، وجدان جمعی دربرگیرنده‌ی تصورات جمعی، ارزش‌ها و نقطه‌نظرات مشترک میان افراد یک جامعه است. او تأکید بسیاری بر تأثیر باورها، ارزش‌ها، هنجارها و آگاهی جمعی و یا به عبارتی ساختارهای کلان جامعه بر رفتار اجتماعی افراد داشت (مردی، ۱۳۹۴، ۷۶-۷۸). پیتیر برک پژوهش‌های تاریخی درباره‌ی ذهنیت‌ها را شامل اولویت دادن به مطالعه‌ی نگرش‌های جمعی به جای نگرش‌های فردی، تأکید بر مفروضات ناخودآگاه، جست‌وجوی نحوه‌ی ادراک کنشگران تاریخی و درگیر شدن با ساختار دیدگاه‌ها، طبقات و نمادها معرفی کرده‌است (گودهس، ۲۰۱۶، ۸۸). با این حال مورخان ذهنیت‌ها عموماً توجه خود را بر مباحث روش‌شناسانه و گفتمانی این رویکرد معطوف داشته و به ارائه‌ی مفهوم‌پردازی نظری منسجم از این واژه نپرداخته‌اند (پلسک، ۲۰۱۴، ۴۲). بر این اساس برای تبیین این مفهوم هر چند رجوع به مباحث مطرح‌شده از سوی این مورخان اجتناب‌ناپذیر است، اما کافی نبوده و برای تکمیل این فرایند باید از مباحث مطرح در این

دیدگاه‌های معناشناختی‌ای که معرفت‌گزاره‌ای را ساخت اجتماعی تلقی می‌کنند (چاپرک، ۱۳۸۷، ۱۳۷). براین‌مبنا، ساخت اجتماعی واقعیت و یا برساختگرایی اجتماعی، نظریه‌ای است در جامعه‌شناسی شناخت که بر مبنای آن، واقعیت‌های اجتماعی در کنش‌های افراد و ارتباطات آن‌هاست که به طور مستمر ساخته می‌شوند، تغییر می‌کنند و ناپدید می‌شوند (ر.ک. برگر و لاکمن، ۱۳۹۵).

با اتکا بر این نظریه، مردم در ارتباط دیالکتیکی خود با زیستگاهشان در جریان زندگی روزمره، به شناخت ماقبل‌نظری<sup>۳۰</sup> از زیست-جهان<sup>۳۱</sup> خود دست یافته و به مفهوم‌سازی درباره‌ی واقعیت‌های آن می‌پردازند. این مفهوم‌سازی‌ها در اثر تکرار در طول زمان به عادت تبدیل شده، یکپارچگی یافته و ذهنیت‌ها را شکل می‌دهند. به این ترتیب ذهنیت‌ها باعث می‌شوند که افراد به هنگام کسب شناخت ماقبل‌نظری در مواجهه با هر پدیده‌ای، نوعی جهت‌گیری نسبت به آن داشته باشند، به طوری که تفکر درباره‌ی آن پدیده در محدوده‌ی مرزهای ذهنیت‌ها امکان‌پذیر می‌گردد. پلسک (همان، ۷۲) بر مبنای چنین توصیفی از مفهوم ذهنیت جمع‌بندی جامعی از مفهوم، کارکرد و مؤلفه‌های تعیین‌کننده و تشکیل‌دهنده ذهنیت‌ها ارائه داده است که بدین شرح است:

۱. ذهنیت‌ها پدیده‌های جمعی ناخودآگاه<sup>۳۲</sup> اند؛
۲. ذهنیت‌ها ساخت‌های اجتماعی تاریخی و معاصر از واقعیت‌اند که در رابطه‌ای دیالکتیکی میان مردم و زیستگاه‌شان شکل گرفته و از طریق روش‌های جامعه‌پذیری<sup>۳۳</sup> و فرهنگ‌پذیری<sup>۳۴</sup> یکپارچگی یافته‌اند؛
۳. ذهنیت‌ها ساختاری دربرگیرنده‌ی گرایش‌های ذهنی ناهمگن و غیرسلسله‌مراتبی هستند؛
۴. ذهنیت‌ها ابزارهایی برای کسب شناخت‌اند که کارکرد سازمان‌دهی، جهت‌گیری، تنش‌زدایی، هم‌دیف‌سازی، تنظیم و یک‌پارچه‌سازی شناخت‌های جدید را بر عهده دارند؛
۵. ذهنیت‌ها احاطه‌کننده و دربردارنده‌ی ساختارهای تفکر، تخیل، احساس‌کردن و کنش هستند؛ که در عین حال برای افکار، تخیلات، عواطف و رفتارها نوعی گرایش محسوب می‌شوند؛
۶. ذهنیت‌ها به‌طور مشخص به وسیله‌ی جمعیت، زمان، فضا و فرهنگ تعیین می‌شوند؛
۷. ذهنیت‌ها پدیده‌هایی جمعی، وابسته به محیط اجتماعی‌اند. با وجود این که از لحاظ کارکردی مربوط به فردند، گروه‌های اجتماعی را تحکیم می‌بخشند بدون این که مترادف با هویت در نظر گرفته شوند؛
۸. ذهنیت‌ها پدیده‌هایی دوره‌ای در نظر گرفته می‌شوند که به وسیله‌ی واقعیت تاریخی و یا معاصر تعیین می‌گردند. ذهنیت‌ها، به عنوان ساختارهایی پویا، محتمل برای ماندگاری و یا تغییر شکل هستند؛
۹. ذهنیت‌ها پدیده‌هایی منطقه‌ای در نظر گرفته می‌شوند که به وسیله‌ی قرارگاه‌های جغرافیایی تعیین می‌شوند. براساس تصورات پسااثبات‌گراها از فضا<sup>۳۵</sup>، ذهنیت‌ها نه تنها به وسیله‌ی ساختارهای فضایی فیزیکی، بلکه با ساخت‌های فضایی اجتماعی و ذهنی تعیین می‌شوند؛
۱۰. ذهنیت‌ها درگیر در محرکه‌های درهم‌آمیخته‌ای از فشردگی فضا-زمان جمعی هستند که این موضوع بر تغییرپذیری ساختارهای ذهنی براساس تغییرات فرهنگی تأکید دارد.

با چنین توصیفاتی از مفهوم، کارکردها و مؤلفه‌های ذهنیت، شباهت

زمینه در حوزه‌ی جامعه‌شناسی بهره‌گرفت.

(ب) مفهوم ذهنیت از دیدگاه برخی از صاحب‌نظران: استوارت (۱۹۸۶، ۶۶) مفهوم ذهنیت را در مقایسه با مفهوم ایدئولوژی بررسی نموده و براین‌مبنا به دو رویکرد اشاره کرده است. رویکرد اول که در ارتباط با نظریه‌ی نخبگان<sup>۳۸</sup> است، ذهنیت را به توده‌ها یا عامه‌ی مردم جامعه نسبت می‌دهد که از فرار معلوم نه بهره‌مند از فرهنگ والا بوده و نه مشارکتی آگاهانه در فرایندهای اجتماعی برای تولید پارادایم‌های ایدئولوژیک دارند. ذهنیت توده‌ها همچون اندوخته‌ای عظیم از خرد عامه تصور می‌شود که می‌تواند توسط هر ایدئولوژی‌ای مورد بهره‌برداری قرار گیرد و در نقطه‌ی مقابل، نخبگان ایدئولوژی‌های قدرتمند و منسجم را می‌سازند. به عبارت دیگر براساس این رویکرد، ذهنیت‌ها به عامه‌ی مردم و ایدئولوژی‌ها به خواص نسبت داده می‌شود. به نظر می‌رسد پژوهش‌های صورت‌گرفته در منابع فارسی که از عنوان «تاریخ ذهنیت عامه» برای تبیین رویکرد پژوهشی خود بهره‌جسته‌اند، کمابیش چنین رویکردی را نسبت به مفهوم ذهنیت اتخاذ نموده‌اند. به‌ویژه تأکید بر واژه‌ها و اصطلاحاتی چون طبقات فرودست و طبقات فرادست و نسبت دادن تاریخ ذهنیت عامه به مطالعه‌ی ذهنیات طبقات فرودست (قیومی و شمس، ۱۳۹۱)، این فرض را تقویت می‌کند. استوارت رویکرد دوم را در ارتباط با خرداجتماعات معرفی کرده و ذهنیت‌ها را در این رویکرد، در ارتباط با بازنمایی‌هایی از نظم اجتماعی یک اجتماع مشخص دانسته است (استوارت، ۱۹۸۶، ۶۷). بر مبنای چنین رویکردی به‌عنوان مثال وولکر سلین<sup>۳۹</sup> ذهنیت را شیوه‌ای که یک جمعیت یک موقعیت را تفسیر می‌کند، تعریف نموده است؛ او ذهنیت‌ها را ساخت‌های<sup>۴۰</sup> اجتماعی از واقعیت در جریان زندگی روزمره<sup>۴۱</sup> دانسته است (پلسک، ۲۰۱۴، ۴۴). همچنین اینگرید گیلچر هالتی<sup>۴۲</sup> ذهنیت را توصیف همبستگی میان گرایش<sup>۴۳</sup> به کنش از یک سو و کنش اجتماعی از سوی دیگر معرفی کرده است (گودهس، ۲۰۱۶، ۸۸). ون‌آینهاتن (۲۰۱۹، ۴۷) ذهنیت را مجموعه‌ای از ایده‌های اغلب ناخودآگاه دانسته که در میان یک جمع به اشتراک گذاشته شده‌اند. مولر (۲۰۰۴، ۱۳۴) آن را گرایش‌ها و پتانسیل‌های فرد یا گروهی از افراد برای نگرش‌هایی مشخص دانسته است که کنش‌ها، رفتار و روابط آن‌ها با دنیای خارجی را تحت تأثیر قرار داده و یا در چارچوب قرار می‌دهند و تئودور گیجر<sup>۴۴</sup> ذهنیت را گرایش ذهن و روح و تأثیر بلاواسطه‌ی تجربه‌ی زندگی بر روی فرد معرفی کرده است. (همان)

(ج) تعریف، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های تعیین‌کننده و تشکیل‌دهنده ذهنیت: پلسک (۲۰۱۴، ۴۷) پس از مطالعه‌ی دیدگاه‌های صاحب‌نظران مختلف درباب مفهوم ذهنیت، بر مبنای رویکرد جامعه‌شناسی پدیدارشناسانه<sup>۴۵</sup> و برساخت‌گرایی اجتماعی<sup>۴۶</sup>، ذهنیت‌ها را ساخت‌های اجتماعی تاریخی (در زمان<sup>۴۷</sup>) و معاصر (هم‌زمان<sup>۴۸</sup>) از واقعیت<sup>۴۹</sup> تعریف می‌کند. باید توجه داشت که منظور از ساخت، تمامی پدیده‌هایی است که وجود حقیقی ندارد، بلکه در اجتماع ساخته می‌شود. دیدگاه‌های موجود در باب ساخت‌های اجتماعی در سه سطح طبقه‌بندی شده است: دیدگاه‌های هستی‌شناختی‌ای که وجود برخی یا همه‌ی پدیده‌ها را ساخت اجتماعی می‌دانند، دیدگاه‌های معرفت‌شناختی‌ای که از باورها سخن گفته و همه یا برخی از باورها را ساخت اجتماعی می‌دانند و

جدول ۱ - مقایسه‌ی مفهوم ذهنیت با سایر مفاهیم مشابه.

شبهات	هر دو مجموعه‌ای از باورها، نگرش‌ها و افکار مشترک در میان یک جمع هستند.	ذهنیت و وجدان جمعی
تفاوت	وجدان جمعی، آگاهی جمعی مرتبط با باورها و نگرش‌های اخلاقی مشترک است؛ در حالی که ذهنیت‌ها چون بر مبنای شناخت ماقبل‌نظری شکل می‌گیرند و حالت غیرفکری دارند، ناخودآگاه جمعی دانسته می‌شوند. وجدان جمعی، به‌عنوان نیروی فراتر از اختیار فرد، باید و نیاید‌های اخلاقی برای زیستن در جامعه تعیین می‌کند (محمدی، ۱۳۸۶)؛ در حالی که ذهنیت‌ها هر چند ساختارهای تفکر، تخیل، احساس کردن و کنش را فراهم می‌کنند، اما این ساختارها لزوماً در بردارنده‌ی ارزش‌گذاری اخلاقی نیستند.	
نحوه‌ی ارتباط	وجدان جمعی، برای مورخان مکتب انال، مفهومی الهام‌بخش برای رسیدن به مفهوم ذهنیت در رویکرد تاریخ ذهنیت‌ها بوده است. (برک، ۱۳۸۱: ۱۱۲)	
شبهات	هر دو مفهوم ارتباطی درونی با مفهوم جمعیت دارند.	ذهنیت و هویت
تفاوت	ساختارهای ذهنیت عمیق بوده، نمی‌تواند به صورت آگاهانه شکل گرفته و یا تغییر یابد؛ در حالی که هویت می‌تواند به وسیله‌ی فرایندهای جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری در درون یک جمع مشخص شکل گیرد؛ به طوری که حتی فرد با قرار گرفتن در جمع‌های مختلف می‌تواند هویت‌های متفاوت یافته و یا به عبارتی «هویتی چهل تکه» کسب کند.	
نحوه‌ی ارتباط	ذهنیت نوعی نهاد زیربنایی برای شکل‌گیری هویت یک جمع بوده و یک ذهنیت وحدت‌بخش، جمع‌ها را مستعد ایجاد هویت جمعی مشترک می‌کند. (پلسک، ۲۰۱۴: ۵۴)	
شبهات	هر دو دربرگیرنده‌ی باورها، نگرش‌ها، جهان‌بینی‌ها، خواست‌ها و... گروهی از انسان‌هاست.	ذهنیت و فرهنگ
تفاوت	در قالب فرهنگ، می‌توان پدیده‌هایی عینی همچون آثار هنری، صنایع‌دستی، آثار معماری را نیز مورد بررسی قرار داد؛ در حالی که ذهنیت دربرگیرنده‌ی مفاهیم ذهنی است. فرهنگ‌ها پدیده‌هایی گسترده‌ترند که به گروه‌های وسیعی از انسان‌ها نسبت داده می‌شوند؛ در حالی که ذهنیت می‌تواند به جمعیت‌هایی محدودتر نیز نسبت داده شود.	
نحوه‌ی ارتباط	فرهنگ دربرگیرنده‌ی ذهنیت‌هاست و ذهنیت‌ها بعد ذهنی فرهنگ‌ها را تشکیل می‌دهند. ذهنیت دلالت بر ایده‌ای ذات‌گرایانه از فرهنگ دارد. (اندرسن و لنگ، ۲۰۱۰: ۲۳)	
شبهات	هر دو می‌توانند منجر به کنش بر اساس فرایندهای عادت‌دهی شوند.	ذهنیت و عادتواره
تفاوت	عادتواره‌ها تظاهر فیزیکی ساختارهای ذهنی‌اند؛ در حالی که ذهنیت‌ها ساختارهای ذهنی عمیق و پیچیده‌تری هستند.	
نحوه‌ی ارتباط	عادتواره‌ها زمانی که درونی‌سازی می‌شوند، ذهنیت‌ها را تشکیل می‌دهند. (پلسک، ۲۰۱۴: ۵۱)	
شبهات	هر دو عرضه‌کننده‌ی نوعی جهت‌گیری نسبت به واقعیات و نیز ارائه‌کننده‌ی شکلی از کنترل اجتماعی از طریق عادت‌دهی هستند.	ذهنیت و ایدئولوژی
تفاوت	ذهنیت‌ها پدیده‌هایی ناخودآگاه، ماقبل‌نظری و گرایشی‌اند، که نمی‌توانند مستقیماً توسط افراد مورد تعدیل و توافق قرار گیرند؛ در حالی که ایدئولوژی‌ها ساختارهای مشخص آگاهانه و خودسرانه‌ای هستند که به‌طور دقیق فرمول‌بندی می‌شوند.	
نحوه‌ی ارتباط	زیر پوشش ایدئولوژی‌ها، ذهنیت‌های متنوعی می‌تواند یافت‌شود و از طرف دیگر ایدئولوژی‌ها آن‌ها را به شکل یافته و پذیرفته می‌شوند، می‌توانند به ساختارهای ذهنیت تبدیل شده و آن‌ها را کامل کنند. (همان: ۴۶)	

مکان مبادرت ورزیده‌اند و یا از طریق مصاحبه و گفتگو با مردم آن مکان سعی کرده‌اند به آن چه در اذهان آنان درباره موضوعات متنوع وجود دارد نزدیک شوند. به‌عنوان مثال در بخشی از نتایج مصاحبه‌هایی که توسط آقالطیفی و حجت (۱۳۹۷) با ساکنان سه نسل از خانه‌های تهران مربوط به سه دوره زمانی دهه اول قرن حاضر، دهه چهل و پنجاه، و نیز دهه هفتاد و هشتاد انجام شده است، چنین آمده است که در نسل اول و دوم، قلمروی خصوصی، کل فضای خانه را در بر می‌گیرد؛ ولی در نسل سوم منظور از قلمروی خصوصی بیشتر محدوده داخل اتاق‌های شخصی است. شیروانی، پرتوی و بهزادفر (۱۳۹۶) با ۳۵ نفر از مراجعه‌کنندگان و کسبه‌ی بازار قیصریه اصفهان مصاحبه‌هایی ترتیب داده و از آن‌ها دلایل استمرار استفاده‌شان از این بازار را پرسیده‌اند. سپس با تحلیل محتوای این مصاحبه‌ها پنج عامل آسایش محیطی، وجود کاربری‌های متنوع، عوامل زیبایی‌شناختی، هویت منحصربه‌فرد بازار، و حس تعلق به بازار را به‌عنوان عوامل اصلی ترغیب‌شدن مردم به استفاده از این بازار تاریخی عنوان نموده‌اند. شهری‌باف (۱۳۸۳، ۱۹۲) در توصیف جلوخان

این مفهوم با مفاهیم دیگری همچون فرهنگ، ایدئولوژی و یا هویت نمودار شده و این پرسش به ذهن متبادر می‌گردد که چه وجوه افتراقی ذهنیت را از مفاهیم یادشده متمایز می‌سازد. در جدول (۱) خلاصه‌ای از شبهات‌ها، تفاوت‌ها و نحوه‌ی ارتباط مفهوم ذهنیت با مفاهیم ایدئولوژی، هویت، فرهنگ، عادتواره<sup>۳۶</sup> و وجدان جمعی مورد توجه قرار گرفته است.

### بحث: تبیین مفهوم ذهنیت معمار یانه

#### ۱- تثبیت مفهوم ذهنیت معمار یانه با بهره‌گیری از مصادیق آن:

گاهی در متونی که به نحوی به معماری بناها پرداخته‌اند، گزاره‌هایی به چشم می‌خورند که از حیث اشاره به محتوای ذهنی گروهی از افراد -به‌عنوان مثال دیدگاه، نگرش، تفکر، احساسات، باور یا تمایل آنان- درباره یک موضوع معمار یانه، دارای وجه اشتراکند. چنین گزاره‌هایی را می‌توان در کتب و مقالاتی یافت که نگارنده (گان)‌شان یا به سبب حضور طولانی‌مدت در یک مکان مشخص و به‌زعم خودشان آشنایی یافتن با آن مکان، به توصیف و تحلیل تفکرات، باورها، علایق و سلايق و... مردم آن

از افراد در یک دوره‌ی زمانی و در یک محدوده زمانی مشخص درباره یک موضوع مرتبط با معماری بناها و شهرها وجود دارد اطلاع می‌دهند. باید توجه داشت که این امر صرفاً به گزاره‌های موجود در متون مرتبط با معماری محدود نمی‌شود. بلکه مثال‌های متنوعی از آن را می‌توان در زندگی روزمره بازیافت. به‌عنوان مثال آن‌چه در ذهن گروه‌های مختلفی از مردم ایران - شامل هریک از گروه‌های اجتماعی همچون کودکان، سالخورده‌گان، طبقات اجتماعی یا صاحبان حرف‌گوناگون، مردان و زنان، معماران و غیرمعماران و...- در دوره‌ی معاصر از موضوعات متنوع مرتبط به معماری -همچون وظایف یک طراح معمار، معماری مدرسه، ورودی خانه، مصالح به‌کاررفته در نمای یک مرکز تجاری، مبلمان پارک محله‌ای، فضای داخلی یک رستوران، مسیرهای ارتباطی یک مجتمع اداری، گنبد یک مسجد یا حیاط یک خانه‌ی تاریخی، آشپزخانه‌ی یک آپارتمان مسکونی مدرن، اتاق انتظار در یک کلینیک پزشکی، لابی مرکز فرهنگی و...- وجود دارد، همگی در زیرمجموعه چنین مواردی قرار می‌گیرند.

با توجه به معنای لغوی واژه ذهنیت که در بخش مبانی نظری عنوان گردید- ذهنی بودن، شیوه تفکر فرد یا گروهی از افراد درباره چیزها- و نیز با مدنظر قرار دادن وجوه مشترک یادشده در سطور پیشین، می‌توان هرآن‌چه در اذهان گروهی از افراد درباره یک موضوع مرتبط با معماری وجود دارد را «ذهنیت معماریانه»- به معنای ذهنیت مرتبط به معماری یا ذهنیت با رویکرد معماری- نامیده و ازاین طریق این موارد را در قالب و دسته‌بندی مفهومی یکپارچه‌ای مورد مطالعه قرار داد. به‌این ترتیب، حال که لزوم تعریف چنین اصطلاحی برای اشاره به ذهنیت‌هایی که به معماری مرتبط‌اند، تثبیت گردیده و مصادیقی از این اصطلاح مشخص شد، می‌توان گامی دیگر برداشته و با اتکا بر تبیین‌های علمی از مفهوم

خانه‌های صاحب‌منصبان در تهران قدیم چنین بیان داشته‌است که «آن میدانگاهی بوده‌است برای جلوی خانه رجال ... که در دخول بدان، شخص وارد، مصونیت کامل یافته، از هر تعقیب و تعدی و تجاوز امنیت می‌گرفت». پولاک (۱۳۶۸، ۵۲) درباره ساخت ارسی خانه‌ها در ایران دوره قاجار چنین بیان داشته‌است که: «این ادعا (بین ایرانی‌ها) پیدا شده که پنجره‌سازی یکی از هنرهای موروث ایرانیان است.» در بخشی از سفرنامه اولویه -مربوط به دوره قاجار- چنین آمده‌است: «معماران ایران بر اروپاییان عیب گیرند که مخارج گزافی در بیرون عمارت کرده و تزئینات خارجی را بر اسباب استراحت و نشیمن داخلی ترجیح می‌دهند» (اولویه، ۱۳۷۱، ۱۷۱). کمیلی، حمیدی‌زاده و امین‌بیدختی (۱۳۹۷، ۴۱) با تحلیل مصاحبه‌هایی که با تعدادی از صاحب‌نظران حوزه مراکز تجاری از شهرهای مختلف ایران انجام داده‌اند، عواملی چون سهولت دسترسی به مرکز خرید، وجود فضاهای مخصوص سرگرمی، ارائه خدمات مناسب، نوع طراحی و ساخت مرکز تجاری، و مدیریت داخلی و بهره‌برداری را عوامل مؤثر در ایجاد حس خوب تجربه خرید و ازاین‌رو برداشدن مرکز تجاری عنوان کرده‌اند.

می‌توان از طریق تحلیل محتوای چنین گزاره‌هایی، (جدول ۲) و استخراج مقوله‌های اصلی موجود در آن‌ها، وجه اشتراک آن‌ها را در چهار مقوله مدنظر قرار داد: ۱. در همه این گزاره‌ها به محتوای ذهنی گروهی از افراد درباره یک موضوع معماریانه اشاره شده‌است؛ ۲. این گزاره‌ها همگی مکانمندند و به محدوده مکانی مشخصی اشاره دارند؛ ۳. این گزاره‌ها همگی زمانمندند و به بازه زمانی مشخصی اشاره دارند؛ ۴. همه این گزاره‌ها گروه یا جمع مشخصی از افراد را مدنظر قرار داده‌اند.

می‌توان گزاره‌های مشابه بی‌شماری در متون یافت که واجد چهار ویژگی یادشده هستند. چنین گزاره‌هایی از آن‌چه در ذهن جمع مشخصی

جدول ۲- مقوله‌های اصلی در گزاره‌هایی با موضوعات معماریانه.

شماره گزاره	موضوع معماریانه	مقوله اصلی ۱: بازه زمانی موجود در گزاره	مقوله اصلی ۲: محدوده مکانی موجود در گزاره	مقوله اصلی ۳: گروه یا جمع اشاره شده در گزاره	مقوله اصلی ۴: محتوای ذهنی اشاره شده در گزاره
۱	قلمروی خصوصی در خانه	سه دوره زمانی: دهه اول قرن حاضر، دهه چهل و پنجاه، دهه هفتاد و هشتاد.	تهران	سه نسل مختلف از ساکنان خانه‌ها	قلمروی خصوصی در ذهن‌شان کل فضای خانه است. قلمروی خصوصی، محدوده داخل اتاق‌های شخصی است.
۲	فضای بازار تاریخی قیصریه	دوره معاصر	شهر اصفهان	مراجعان و کسبه بازار قیصریه	در ذهن‌شان آسایش محیط بازار، وجود کاربری‌های متنوع، زیبایی فضا، هویت منحصر به فرد بازار، و حس تعلق به بازار، باعث ترغیب برای استفاده از آن است.
۳	جلوخان خانه‌های صاحب‌منصبان	دوره قاجار	تهران	مردم تهران	جلوخان، فضایی است که فرد با وارد شدن به آن از تعدی و تعقیب در امان است.
۴	پنجره ارسی خانه‌ها	دوره قاجار	ایران	ایرانیان	پنجره‌سازی از هنرهای موروث ایرانیان است.
۵	نما و فضای داخلی بنا	دوره قاجار	ایران	معماران ایرانی	آسایش و زیبایی فضای داخلی بر زیبایی نمای بیرونی ارجحیت دارد.
۶	برندسازی مراکز تجاری	دوره معاصر	ایران	صاحب‌نظران حوزه مراکز تجاری	لازمه برندسازی یک مرکز تجاری توجه به سهولت دسترسی به مرکز خرید، وجود فضاهای مخصوص سرگرمی، ارائه خدمات مناسب، نوع طراحی و ساخت مرکز تجاری، و مدیریت داخلی و بهره‌برداری، است

ذهنیت، اصطلاح ذهنیت معماریانه را تبیین نمود. در واقع از آن جایی که مفهوم ذهنیت معماریانه، ذیل مفهوم ذهنیت در معنای اعم آن جای می‌گیرد، هر تبیینی که برای مفهوم ذهنیت انجام شود، می‌تواند به مفهوم ذهنیت معماریانه نیز تعمیم داده شود.

باین اوصاف، با در نظر داشتن ذهنیت‌ها به‌عنوان ساخت‌های اجتماعی از واقعیت‌ها، و با اتکا بر استدلال قیاسی، می‌توان چنین تصور کرد که ذهنیت‌های معماریانه نیز، ساخت‌های اجتماعی از واقعیات معماری‌اند. با مفروض داشتن چنین تعریفی، در ادامه با اتکا بر جمع‌بندی پلسک از مؤلفه‌های ذهنیت، مفهوم ذهنیت معماریانه تبیین خواهدگردید. از آن جایی که چنین تبیینی ممکن است به سبب میان‌رشته‌ای بودن با پیچیدگی‌هایی همراه گردد، برای روشن‌تر شدن آن، از یک مثال بهره گرفته و از مفهوم پیرنشین به عنوان یکی از مصادیق ذهنیت معماریانه ایرانیان، جهت بررسی هریک از مؤلفه‌های مربوط به ذهنیت معماریانه یاری گرفته خواهدشد. بدیهی است هر مثال دیگری -اعم از مواردی که در سطور پیشین بدان اشاره گردید- می‌تواند جایگزین این مثال منتخب باشد.

### پیرنشین، یکی از مصادیق ذهنیت معماریانه ایرانیان

پیرنشین اصطلاحی است که برای اشاره به سکوهایی دوطرف درب ورودی بناهای تاریخی ایران، در برخی از منابع معماری به کار رفته‌است.<sup>۲۷</sup> اصطلاحی که هدف از آن نشستن افراد -عموما سالخورده- برای رفع خستگی، مکث و تأمل به‌منظور درک بهتر بنا، و تعامل مراجعین و مخاطبین عنوان شده‌است (مهدوی‌پور، جعفری و سعادت، ۱۳۹۲). باین حال این واژه را در واژه‌نامه‌های فارسی نمی‌توان یافت. جست‌وجو در منابع مختلف مکتوب تاریخی -به‌عنوان مثال منابع نظم و نثر فارسی، سفرنامه‌ها و زندگی‌نامه‌ها- با فرض این که این واژه یک اصطلاح عامیانه‌ی تاریخی است نیز نشانی از کاربرد این اصطلاح در دوره‌های تاریخی گذشته نمی‌دهد.<sup>۲۸</sup> در این منابع البته نمونه‌هایی وجود دارند که بر رفتار نشستن بر در خانه‌ی کسی اشاره کرده‌اند: «چون بدید آن شاه ما بر در نشستند بندگان - وان در از شکلی که نومیدی دهد مشتاق را» (مولوی، بی‌تا)، «عمریست تاننشسته‌ام ای دوست بر درت - نگذشت بر دلت که برین در چراست این» (سلمان ساوجی، بی‌تا)، «بر خاک درت نشسته عطار- تا بود ز عشق جان‌فشان بود» (عطار نیشابوری، بی‌تا) نمونه ابیاتی‌اند که در آن‌ها، فرد یا افرادی به امید دیدار با معشوق - یا حاکم و مراد و هر فرد مطلوب دیگر- بر در خانه‌ی او نشستند. باین حال در هیچ‌یک از ابیات موجود با این مضمون، بر سن‌وسال افراد بردرنشسته اشاره‌ای نرفته‌است. نمونه‌ای دیگر از گزارش این رفتار را در منابع متأخرتر می‌توان در کتاب شرح زندگانی من یافت: «از نوکرهای خودمان که زیر هشت یا دم در نشستند چیزهایی می‌پرسم» (مستوفی، ۱۳۸۴، ۲۲۷). که در این مورد نیز این رفتار در ارتباط با ویژگی‌های سنی مورد توجه قرار نگرفته‌است. از طرف دیگر جست‌وجو در منابع تخصصی تاریخ معماری ایران - با فرض این که این واژه یک اصطلاح تخصصی در معماری تاریخی ایران بوده‌است - نیز نتیجه‌ای دربرنداشت. سلطان‌زاده (۱۳۹۰، ۹۴) به نامیدن این سکوها با عنوان «خواجه‌نشین» در برخی مناطق ایران اشاره کرده‌است. پیرنیا (۱۳۸۵، ۳۷۷) نیز این سکوها را «پاخوره» نامیده‌است؛ ضمن این که در فرهنگ‌نامه‌ی معماری ایران نیز نشانی از این واژه

دیده‌نمی‌شود.

باین اوصاف این احتمال وجود دارد که واژه‌ی پیرنشین در دوره‌های تاریخی گذشته استفاده نمی‌شده و از این رو می‌توان این فرضیه را مطرح ساخت که این واژه، یا واژه‌ای محلی است که در دوره‌های متأخر به‌واسطه‌ی افزایش پژوهش‌های تاریخ معماری منطقه‌ای، از اصطلاحات رایج معماری منطقه‌ای مشخص وارد مفاهیم مبانی نظری معماری تاریخی ایران شده و عمومیت یافته‌است؛ و یا واژه‌ای است که به علت کثرت مواجهه با صحنه‌ی نشستن افراد پیر بر روی سکوهایی ورودی خانه‌های قدیمی در دوران معاصر ساخته شده‌است. در واقع این فرضیه برپایه‌ی این موضوع شکل می‌گیرد که با توجه به این که در دوران معاصر، جمعیت ساکنان محلات و بافت‌های تاریخی را بیشتر افراد سالخورده تشکیل می‌دهند<sup>۲۹</sup>، احتمال این که در یک بافت تاریخی به فرد کهنسالی بر بخوریم که بر روی این سکوها نشسته، بیشتر از هر قشر سنی دیگری است. ضمن این که به‌رحال شکنندگی شرایط جسمانی این گروه، نیاز آن‌ها را به استراحت در میان مسیر رفت‌وآمدشان افزایش می‌دهد. بر مبنای این فرضیه، کلمه پیرنشین مفهومی ذهنی است که به‌واسطه تکرار مواجهه ایرانیان معاصر با صحنه نشستن افراد پیر بر سکوهایی دوسمت در ورودی بناهای تاریخی ساخته شده و در واقع ذهنیت معماریانه‌ی ایرانیان معاصر از این سکوها رابازمی‌نمایند.

### ۲- تبیین ویژگی‌ها و مؤلفه‌های ذهنیت‌های معماریانه با بهره‌گیری از مفهوم ذهنی پیرنشین

با اتکا بر جمع‌بندی ارائه‌شده از سوی پلسک درباب ذهنیت، ذهنیت‌های معماریانه را می‌توان دارای ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی دانست که در ادامه به آن‌ها اشاره شده و برای روشن‌تر شدن هرکدام بر مفهوم ذهنی پیرنشین رجوع می‌شود:

۱. ذهنیت‌های معماریانه پدیده‌های جمعی ناخودآگاه‌اند. باین اوصاف به آن دسته از اندیشه‌ها و تصورات خلاقانه‌ای که در ذهن یک معمار مشخص - و حتی یک فرد غیر معمار - نسبت به هر مسئله‌ی معماری به‌صورت خودآگاه وجود دارد، نمی‌توان ذهنیت معماریانه گفت. مفهوم پیرنشین اگر در سال‌های گذشته، توسط یک پژوهشگر معماری مشخص برای نامیدن سکوهایی کنار ورودی بناها، خلق شده‌باشد، مادامی که در طول زمان، استفاده از آن به عادت تبدیل نشده و وارد ناخودآگاه جمعی معماران و یا مردم عادی نشود، نمی‌توان آن را بخشی از ذهنیت معماریانه‌ی ایرانیان دانست.

۲. ذهنیت‌های معماریانه، ساخت‌های اجتماعی زمان و مکانی مشخص از واقعیت‌های معماریانه‌اند که در قالب روابط متقابل مردم- معماران و غیرمعماران - و زیستگاه‌شان شکل می‌گیرند. در بازگشت به مثال پیرنشین، براساس برخی متون تاریخی، سکوهایی دوسمت ورودی بناها در قرون گذشته، احتمالاً معنایی دربردارنده‌ی جایگاه نشستن افراد نیازمند توجه ازسوی صاحبخانه داشته‌است و امروزه معنایی دربردارنده‌ی جایگاه نشستن رهگذران پیر و خسته، که هر دو معنا، ساخت‌های اجتماعی حاصل از چگونگی رابطه‌ی مردمان هر دوره با سکوهاست.

۳. ذهنیت‌های معماریانه همواره امری وابسته به امیال و گرایشات انسان بوده و صرفاً امکان و احتمال‌هایی برای عادات واقعی هستند.



به‌نظر می‌رسد از آن‌روست که در تاریخ ایران نشستن بر در خانه‌ها، عادت‌های اجتماعی بوده‌است. در واقع این نمونه نشان می‌دهد که افرادی غیر از معماران می‌توانند در شکل‌گیری ذهنیت‌های معماریانه دخیل شوند و از این‌رو ذهنیت‌های معماریانه صرفاً متأثر از جمع معماران نیستند؛ بلکه اقبال مختلف، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم می‌توانند در تعیین آن مؤثر واقع شوند.

۸. ذهنیت‌های معماریانه پدیده‌هایی دوره‌ای‌اند که براساس شرایط دوره‌ی تاریخی ممکن است ماندگار شده و یا تغییر کنند. در روزگار کنونی معماری ایران، هرگونه سکویی در کنار ورودی بناها- به‌ویژه بناهای مسکونی در شهرها- معنایی غیر از جایگاهی برای نشستن دارد، چراکه عادت نشستن بر در بناها از زندگی روزمره‌ی شهروندان ایرانی حذف شده‌است و این حاکی از آن است که ذهنیت معماریانه از سکوی ورودی نسبت به دوران گذشته تغییر یافته‌است.

۹. ذهنیت‌های معماریانه، پدیده‌هایی منطقه‌ای‌اند و به‌وسیله‌ی ساختارهای فضایی فیزیکی، اجتماعی و ذهنی تعیین می‌شوند. به‌عبارت‌دیگر در جغرافیای ایران است که ذهنیت معماریانه از سکوهایی کنار ورودی بناها دربردارنده‌ی رفتار نشستن است و در مناطق دیگر دنیا، ذهنیت معماریانه از چنین سکوهایی می‌تواند متفاوت باشد. آن‌چه این ذهنیت معماریانه را شکل می‌دهد (الف) می‌تواند فضای فیزیکی دربردارنده‌ی این سکوها باشد، به‌عنوان مثال ابعاد و تناسب‌های خاص این سکوها و فضای اطراف آن، افراد را ترغیب به نشستن کند، (ب) می‌تواند فضای اجتماعی مرتبط با این سکوها باشد، یعنی مثلاً فضای اجتماعی، زمینه‌ی تعاملات اجتماعی در گذرها را فراهم کرده و رهگذران بخواهند گاهی نشسته و با افرادی دیگر معاشرت کنند و (ج) می‌تواند فضای ذهنی مرتبط با سکوها باشد، به‌عنوان مثال فضای ذهنی عمومی دربرگیرنده‌ی نوعی احساس همدلی با رهگذران از گذرها بوده و این فضای ذهنی به صاحبان خانه‌ها اجازه دهد که بخشی از ورودی خانه‌ی خود را به نشستن رهگذران اختصاص دهند.

۱۰. ذهنیت‌های معماریانه وابسته به ساختارهای فرهنگی بوده و با تغییر این ساختارها، تغییر می‌کنند. لزوم توجه و احترام به جایگاه افراد سالخورده در خانواده و اجتماع یکی از ویژگی‌های فرهنگ ایرانی است؛ به‌طوری‌که می‌تواند در دوران معاصر در مفهوم‌سازی از سکوهایی ورودی خانه‌های تاریخی تأثیر گذاشته و منجر به مصطلح‌شدن مفهوم پیرنشین و ورود آن به ذهنیت معماریانه‌ی ایرانیان از این سکوها گردد، حتی اگر در گذشته کارکردی غیر از نشستن افراد سالخورده داشته‌باشند.

در جدول (۳) خلاصه‌ای از آن‌چه تاکنون درباب تعریف، ویژگی‌ها، عوامل تعیین‌کننده و عوامل تشکیل‌دهنده ذهنیت معماریانه بیان گردید، ارائه شده‌است.

درواقع در پاسخ به برخی گزایشات، افراد، در ارتباط با پدیده‌های معماری، متناسب با شرایط موجود، مفهوم‌سازی‌های خاصی صورت می‌دهند که در طول زمان با تکرار آن مفهوم‌سازی و تبدیل شدنش به عادت، بخشی از ذهنیت معماریانه را شکل می‌دهد. در رابطه‌ها سکوی ورودی خانه‌های تاریخی، محتمل است که در شرایط ویژه‌ی یک دوره‌ی زمانی، گرایش افراد به مقبول واقع شدن از سوی معشوقشان (چنان‌که در برخی اشعار بدان اشاره شده)، منجر به شکل‌گیری عادت نشستن بر در خانه‌ی معشوق شود و ذهنیت معماریانه از این سکوها شکل دهد.

۴. ذهنیت‌های معماریانه ابزارهایی برای کسب شناخت معماریانه از محیط طبیعی یا مصنوع‌اند. بدین ترتیب وقتی پژوهشگر معماری یا فردی غیرمعمار با سکوهایی کنار ورودی بناها برخورد می‌کند، ذهنیت معماریانه‌ی او برای تفسیر معنا و کارکرد سکوها به کمک او می‌آید. او ممکن است برحسب کثرت مواجهه با افراد سالخورده‌ای که بر روی این سکوها نشسته‌اند، آن‌ها را جایگاهی برای نشستن افراد پیر ارزیابی و تفسیر کند. با اتکا بر دیدگاه پلسک (۲۰۱۴، ۴۷) می‌توان گفت که ذهنیت‌های معماریانه کمک می‌کنند که اطلاعات جدید هنگام ورود به ذهن ۱. سازماندهی شوند، یعنی مشخص می‌شود که این اطلاعات بایستی چگونه و تحت چه سازمانی و در زیرمجموعه‌ی چه موضوعات از پیش موجود در ذهن، قرار گیرد؛ ۲. براساس معیارها و اصول موجود در ذهنیت معماریانه، نسبت به آن‌ها جهت‌گیری صورت گیرد؛ ۳. به‌دلیل تنش‌های احتمالی حاصل از ورود اطلاعات جدید گاه‌ها ناهمخوان و متضاد با ذهنیت معماریانه‌ی موجود، تنش‌زدایی شوند؛ ۴. با امور ذهنی پیشین هم‌ردیف‌سازی شوند و با ورود آن‌ها به ذهن، ادراکات، رفتارها و تجارب، به‌روزرسانی شده و مجدداً تنظیم و ۶. نهایتاً یکپارچه‌سازی شود. ۵. ذهنیت‌های معماریانه، ساختاری متشکل از گزایشات ناهمگون و غیرسلسله‌مراتبی از ذهن هستند که به حوزه‌ی معماری مرتبطند. آن‌ها را می‌توان شبکه‌ای از باورها، نگرش‌ها، خیالات، جهان‌بینی‌ها، گفتمان‌ها، خاطرات و غیره... در ارتباط با محیط‌های ساخته‌شده و یا حتی طبیعی دانست که می‌توانند، بر شکل‌گیری این محیط‌ها اثر گذاشته و از آن‌ها اثر پذیرند. می‌توان در پس مفهوم پیرنشین مجموعه‌ای از خاطرات ایرانیان از بافت‌ها و محلات تاریخی شهرهای ایرانی یافت.

۶. بر مبنای مؤلفه‌های ارائه‌شده توسط پلسک، ذهنیت‌های معماریانه را باید دربرگیرنده‌ی ساختارهای «تفکر معماریانه»، «تخیل معماریانه»، «احساس معماریانه» و «کنش معماریانه» دانست. براین اساس ذهنیت معماریانه، ساختارهایی در اختیار معماران و یا افرادی عادی قرار می‌دهد تا بتوانند در چارچوب آن به‌عنوان مثال به این‌که (الف) سکوهایی دوست‌ورودی خانه‌ها چه کارکردی می‌تواند داشته‌باشد فکر کنند، (ب) درباره‌ی این سکوها، رفتارهای مرتبط با آن‌ها و فرم‌های متنوعی که می‌توانند داشته‌باشند تخیل کنند، (ج) احساس‌های مرتبط با این سکوها را ارزیابی کرده و مثلاً آن‌ها را برای نشستن راحت یا نامناسب تشخیص دهند و (د) کنش متناسب با سکوها را بروز دهند، یعنی به‌عنوان مثال بر روی آن بنشینند و یا گلدان‌هایی روی‌شان قرار دهند.

۷. ذهنیت‌های معماریانه پدیده‌هایی جمعی و وابسته به محیط اجتماعی‌اند. در مثال پیرنشین، مصطلح‌شدن این مفهوم در میان معماران- حتی اگر خالق این مفهوم یک معمار در دوران معاصر بوده‌باشد-

جدول ۳- خلاصه‌ای از مفهوم ذهنیت معماریانه

تعریف	ساخت‌های اجتماعی از واقعیت‌های معماریانه در مکان و زمانی مشخص	
ویژگی‌ها	ناخودآگاه بودن، وابسته به گرایشات انسانی بودن، فراهم کردن امکان و احتمال‌هایی برای عاداتی در ارتباط با واقعیت معماریانه، ابزارهایی برای کسب شناخت از واقعیت معماریانه	
تعیین شده توسط	جمع‌ها	تمامی افرادی که نقطه‌ی اشتراک آن‌ها، ارتباط‌شان با پدیده‌ی معماری موردنظر است. همچون معماران، پژوهشگران معماری، سازندگان ساختمان، تولیدکنندگان مصالح و سیستم‌های فنی ساختمان، کارفرمایان و یا کاربران بناها.
	زمان	بازه‌ی زمانی مشخصی که واقعیت معماریانه موردنظر در آن ظهور یافته‌است. این بازه‌ی زمانی باید به آن اندازه طولانی باشد که امکان تثبیت مفاهیم ذهنی و یا به عادت تبدیل شدن رفتارها در ارتباط با آن پدیده را فراهم نماید.
ساختار فرهنگی	فضا	شامل الف) فضای فیزیکی، یعنی فضایی که ویژگی‌های فیزیکی آن منجر به شکل‌گیری مفاهیم ذهنی خاصی از پدیده‌ی موردنظر شود، ب) فضای اجتماعی، یعنی فضای حاصل از روابط و کنش‌های اجتماعی که امکان شکل‌گیری ذهنیت‌ها درباره‌ی آن پدیده را محدود به چارچوب‌هایی اجتماعی می‌کند و ج) فضای ذهنی، یعنی افکار و تصورات درباره‌ی فضا که احتمال ایجاد مفاهیم ذهنی مشخصی را بیشتر می‌کند.
	تفکر معماریانه	مؤلفه‌ها و عناصر فرهنگی یک مکان - زمان مشخص.
تشکیل یافته از	تخیل معماریانه	تفکر درباره‌ی مسائل معماری مرتبط با پدیده‌ی موردنظر به عنوان مثال کارکردها، ویژگی‌های فرمی و زیبایی‌شناختی، روش‌های ساخت و غیره...
	احساس معماریانه	تخیل درباره‌ی ویژگی‌های مختلف پدیده‌ی موردنظر که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به حوزه‌ی معماری مرتبطند، مانند تخیل درباره‌ی ویژگی‌های بصری آن، کارکردهای محتمل و غیره...
	کنش معماریانه	احساسی که افراد در مواجهه با واقعیت‌های معماریانه در درون خود تجربه می‌کنند. عملی دربردارنده‌ی معنایی ویژه که افراد در برخورد با واقعیت‌های معماریانه انجام می‌دهند.

## نتیجه

بازدید یا استفاده از یک اثر معماری، ناخودآگاه متأثر از این ذهنیت‌های معماریانه هستند.

پیرنشین به‌عنوان یکی از مصادیق ذهنیت معماریانه، نمودی از ذهنیت معماریانه ایرانیان معاصر از سکوه‌های دوسمت ورودی بناهای تاریخی در قالب کلمه است. مفهوم ذهنیت معماریانه به‌عنوان یک مبنای نظری کمک می‌کند تا بتوان فرضیه‌ای درباب چگونگی پیدایش این کلمه در متون تخصصی و غیرتخصصی معماری و میان معماران و غیرمعماران در دوران معاصر ساخته و با اتکا بر آن، این مصداق ذهنیت معماریانه را مورد تحلیل و بررسی قرار داد. از آنجایی که چنین کلمه‌ای در بررسی متون تاریخی یافت نگردید، با اتکا بر مبنای نظری ذهنیت معماریانه، می‌توان این فرضیه را مطرح نمود که این کلمه در دوره‌ی معاصر در اثر کثرت مواجهه‌ی مردم - اعم از معماران و غیرمعماران - با صحنه نشستن افراد پیر بر روی سکوه‌های دوسمت در ورودی بناهای تاریخی ساخته شده و در واقع نوعی ساخت اجتماعی از سکوه‌های دوسمت ورودی خانه‌هاست. در شکل‌گیری این ساخت اجتماعی، جمع‌های مختلف اعم از معماران، مردم عادی، افراد سالخورده‌ای که با نشستن خود بر این عادت اجتماعی تداوم بخشیده‌اند، شرایط فیزیکی، فضایی و بافت جمعیتی غالب محلات تاریخی در دوره معاصر، و برخی ویژگی‌های فرهنگ ایرانی همچون توجه به جایگاه سالخوردگان می‌توانسته تعیین‌کننده باشد. این احتمال وجود دارد که کلمه پیرنشین ابتدا توسط یک پژوهشگر معماری ابداع شده و در متنی مربوط به مطالعات معماری تاریخی ایران به‌کار بسته شده باشد. همچنین ممکن است این کلمه یا بخشی از آن توسط یک معمار یا پژوهشگر معماری، از ادبیات معماری بومی مناطقی از ایران به عاریت گرفته شده باشد. سپس با توجه به متناسب بودن معنای این کلمه با کارکردی که عموم ایرانیان از آن سراغ داشته و در ذهن دارند (فراهم کردن محلی برای نشستن افراد سالخورده) و با تکرار بهره‌گیری از آن توسط معماران و به‌مرور زمان - تبدیل شدن استفاده از آن به عادت

در گفتگوهای محاوره‌ای روزمره و نیز در متون مرتبط یا غیرمرتبط به حوزه معماری، مصادیق گوناگونی از ذهنیت معماریانه را می‌توان یافت. هر گفته و نوشته‌ای که به نوعی بر محتوای ذهنی افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی درباره‌ی موضوعات معماریانه اشاره می‌نماید در ذیل مفهوم ذهنیت معماریانه قابل بررسی است. نگرشی که یک دانش‌آموز ایرانی درباره‌ی مؤلفه‌ی مشخصی از معماری مدرسه دارد، احساسی که یک گردشگر خارجی، با تجربه گردشگری در ایران یا دیدن تصویری از معماری تاریخی ایران تجربه می‌کند، تخیلاتی که یک فرد از یک خانه‌ی تجملی در ذهن می‌پروراند، حسی که یک معمار ایرانی نسبت به مصالحی چون آجر و شیشه رنگی دارد، همگی از ذهنیت معماریانه این افراد ریشه می‌گیرند. ذهنیت‌های معماریانه که در این پژوهش به ذهنیات مردم یک اجتماع از واقعیت‌های معماریانه اطلاق شده‌است، ساخت‌های اجتماعی زمان و مکانی مشخص از واقعیت معماریانه‌اند. به عبارت روشن‌تر آن‌ها در اجتماعی مشخص به‌مرور زمان ساخته می‌شوند و از این رو می‌توانند متناسب با تغییرات شرایط زمانی و مکانی و اجتماعی تغییر کنند. افراد - اعم از معماران و غیرمعماران - در مواجهه با واقعیت معماریانه - به‌عنوان مثال بخشی از یک اثر معماری، تصویری از یک بنای تاریخی در یک کتاب، رویکرد نظری یک معمار در ارتباط با یک سبک معماری و حتی رفتار مشخص استفاده‌کنندگان یک بنا - در ذهن خود مفهوم‌سازی‌هایی از آن‌ها صورت می‌دهند که در اثر تکرار درگذر زمان و تبدیل شدن به عادت‌ی جمعی، ذهنیات معماریانه‌ی آن‌ها را شکل می‌دهند. این ذهنیت‌های معماریانه دربرگیرنده‌ی مجموعه‌ای از نگرش‌ها، تفکرات، جهانبینی‌ها، باورها، خواست‌ها، رویاها و آرزوها و یا احساسات مردم یک زمان و مکان مشخص نسبت به واقعیت معماریانه خواهد بود که به‌صورتی ناخودآگاه نگرش و رفتار آن‌ها را در ارتباط با واقعیت یادشده تحت تأثیر قرار می‌دهد. معماران به‌هنگام طراحی یک بنا، سازندگان به‌هنگام ساخت بخشی از یک بنا و یا تولید مصالح یا سیستم ساختمانی، و مردم عادی به‌هنگام

تبیین‌های صورت‌گرفته از مفهوم ذهنیت معماریانه، به درک این‌که چگونه ذهنیت معماریانه می‌تواند مبنای نظری مناسبی برای توضیح برخی از واقعیات معماریانه در دوران معاصر یا گذشته فراهم آورد، یاری رسانده و می‌تواند راهنمای پژوهش‌های مشابه آتی باشد.

جمعی - حتی توسط غیر معماران - در بخشی از ذهنیت معماریانه ایرانیان جای یافته‌باشد. بدیهی است اثبات چنین فرضیه‌ای هدف این پژوهش نبوده و خود نیازمند پژوهشی جداگانه است. با این حال مثال پیرنشین در این پژوهش نمونه‌ای بوده است که ضمن کمک به یافتن فهمی بهتر از

### پی‌نوشت‌ها

۱. واژه‌ی ذهنیت در متون فارسی هم در ترجمه‌ی واژه‌ی *mentality* و هم در ترجمه‌ی واژه‌ی *subjectivity* به کار رفته است. با توجه به این که هدف این پژوهش بحث پیرامون مفهوم *mentality* است، ترجمه‌ی این واژه به ذهنیت که در منابع عمومیت دارد، ملاک قرار گرفته است.

2. Political Mentality. 3. Throwaway Mentality.

۴. Herd Mentality: به‌عنوان مثال ر. ک.

• Harbison, R. (1993), *The Built, the Unbuilt, and the Unbuildable: In Pursuit of Architectural Meaning*, MIT Press.

• Mallgrave, H. F. & Contandriopoulos, Ch. (2008). *Architectural Theory: Volume II - An Anthology from 1871 to 2005*. Wiley.

5. Architecture, Mentalities and Meaning

6. Jens Kraft.

7. The Savage Way of Thinking.

8. Primitive Mentality.

9. Lucien Lévy-Bruhl.

۱۰. Annales school نام مکتبی فرانسوی است که در مواجهه با رویکردهای

مرسوم پوزیتیویستی و سندگرایانه در مطالعات تاریخی به دنبال بهره‌گیری از رویکردی بود که بتوان از طریق آن، تاریخ را بر مبنای تمام وجوه انسانی و اجتماعی اش مورد مطالعه قرار داد. از این رو این مکتب بر رهیافت میان‌رشته‌ای به ویژه توجه به عوامل اجتماعی و اقتصادی در مطالعات تاریخی تأکید داشت.

11. History of Mentalities.

12. Marc Bloch.

13. Lucien Febvre.

14. The Royal Touch.

15. Emile Durkheim.

16. Collective Consciousness.

17. Elite Theory.

18. Volker Sellin.

19. Construction.

۲۰. Everyday Life اصطلاحی است که از سوی نظریه‌پردازان مطالعات

فرهنگی به‌عنوان اصلی‌ترین قلمرو شکل‌گیری شناخت مورد استفاده قرار می‌گیرد (کپوند و حسینی، ۱۳۹۴) و منظور از آن فعالیت‌ها، عادات و افکار معمول روزانه‌ی افراد یک اجتماع است.

21. Ingrid Gilcher-Holtey.

۲۲. Disposition منظور از گرایش، یک ویژگی شخصیت، عادت، آمادگی و یا

میل برای رفتار کردن به شیوه‌ای مشخص است که ممکن است اکتسابی باشد.

23. Theodor Geiger.

24. Phenomenological Sociology.

۲۵. Social Constructivism نظریه‌ی جامعه‌شناختی درباره‌ی شناخت

که توسط پیتر ال. برگر و توماس لاکمن ارائه شده است.

26. Diachronic.

27. Synchronic.

28. Social constructions of Reality.

۲۹. Pre-theoretical knowledge اصطلاحی است مرتبط با پدیدارشناسی

هوسرل و منظور از آن شناخت اولیه از هر پدیده‌ای است که پیش از هرگونه شناخت نظری نسبت به آن پدیده ایجاد می‌شود (سیاوشی، ۱۳۹۲).

۳۰. Lifeworld جهان مشترک؛ عینی و بین‌الذاتی که دربرگیرنده‌ی من،

دیگران و همه‌ی اشیا بوده و لازمه‌ی آگاهی من است. (همان)

۳۱. منظور از ناخودآگاه جمعی، در مباحث ذهنیت، متفاوت است از آن‌چه

یونگ در این زمینه در ارتباط با کهن‌الگوها مطرح کرده است. در این مباحث منظور از ناخودآگاه جمعی، ذخیره‌ای از فهم و ادراک ضمنی است که بر مبنای

آن، مردم زندگی روزمره‌ی خود را شکل می‌دهند (پلسک، ۲۰۱۴، ۴۰).

۳۲. Socialization فرایندی که در خلال آن فرد هنجارها، ارزش‌ها و دیگر عناصر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در گروه و یا محیط پیرامونی خود را فرا گرفته، درونی کرده و آن را با شخصیت خود یگانه می‌سازد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵، ۱۴۴).

۳۳. Enculturation (بی‌تا) فرایندی که طی آن فرد محتوای فرهنگ موجود را آموخته و اعمال و ارزش‌های آن را هضم و جذب می‌کند.

۳۴. از دهه‌ی هشتاد قرن بیستم مفهوم فضا در قالب آن چه چرخش فضایی نامیده می‌شود به چالش کشیده شد. بر اساس این رویکرد، فضا صرفاً ظرف امر اجتماعی نیست؛ بلکه خود محصول و مقوم روابط اجتماعی است. (پلسک، ۲۰۱۴، ۶۱)

۳۵. Habitus اصطلاحی است که توسط پی‌یر بوردیو ارائه شده و به نظام‌های طبایع و قریحه‌هایی اطلاق می‌شود که ویژگی طبقه‌های مختلف‌اند. عادتواره محصول اجتماعی شدن و تربیت یافتن در محیط‌های رسمی و غیررسمی است و فرد از مجرای فرایندهای یادگیری آگاهانه یا ناآگاهانه، آن‌ها را به تدریج کسب و درونی می‌کند. بدین ترتیب اعضای یک جامعه بسته به جایگاه و موقعیت اجتماعی‌شان، عادتواره‌های متفاوتی خواهند داشت. (ریترز، ۱۳۷۴، ۷۲۱)

۳۶. به‌عنوان نمونه ر. ک. حجت، عیسی؛ انصاری، حمیدرضا (۱۳۹۲)، *ساختمان‌ها با من حرف می‌زنند*، تهران: مؤسسه علم معمار. همچنین ر. ک. علی‌الحسابی، مهران؛ قربانی، ابوالفضل (۱۳۹۳)، بررسی ویژگی‌های فضاهای ورودی به‌عنوان مفصل و حریم بصری در عرصه‌های عمومی مجاور؛ نمونه‌ی موردی بندر لافت، پژوهش‌های معماری اسلامی، (۴)۲، ۸۷-۱۰۶ و یا ر. ک. مهدوی‌پور، حسین؛ جعفری، رشید و سعادت، پوراندخت (۱۳۹۲)، جایگاه جلوخان در معماری مسکونی بومی ایران. مسکن و محیط روستا، (۱۴۲)۳۲، ۳-۱۸.

۳۷. بدین منظور واژه‌ی پیرنشین در اشعار و متون نثر موجود در سایت گنجور جست‌وجو گردید، که موردی به‌دست نیامد. در ادامه این واژه در منابع تاریخی موجود در کتابخانه‌ی سایت نور جست‌وجو شد که نتیجه‌ای دربرداشت.

۳۸. به‌عنوان نمونه می‌توان به پژوهشی مربوط به تراکم جمعیتی شهر تبریز اشاره نمود. ر. ک. قربانی، رسول (۱۳۸۴)، تحلیل پراکنش تراکم‌های جمعیتی شهر تبریز با استفاده از روش حوزه‌بندی آماری، پژوهش‌های جغرافیایی، (۵۴)، ۱۲۳-۱۳۶

### فهرست منابع

آقالطیفی، آزاده؛ حجت، عیسی (۱۳۹۷)، بررسی تأثیرپذیری مفهوم خانه از تحولات کالبدی آن در دوران معاصر در شهر تهران، نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، (۴)۲۳، ۴۱-۵۴.

اولیویه، گیوم آنتوان (۱۳۷۱)، *سفرنامه‌ی اولیویه*، ترجمه محمدطاهر میرزا، و تصحیح و حواشی غلامرضا وهرام، تهران: اطلاعات.

براون، مایکل (۱۳۹۶)، *تفکر معماریانه: فرایند طراحی و چشم خیال‌اندیش*، (سعید حقیر، مترجم) تهران: انتشارات فکر نو.

برک، پیتر (۱۳۸۱)، *تاریخ و نظریه‌های اجتماعی*، ترجمه غلامرضا جمشیدیها، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

برگر، پیتر؛ لاکمن، توماس (۱۳۹۵)، *ساخت اجتماعی واقعیت (رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت)*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۵)، *آشنایی با معماری اسلامی ایران*، تدوین غلامحسین معماریان، تهران: انتشارات سروش دانش.

پولاک، ادوارد پاکوب (۱۳۶۸)، *سفرنامه‌ی پولاک «ایران و ایرانیان»*، ترجمه

- کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.  
 تمسکی، زینب؛ اهری، زهرا (۱۳۹۱)، از ذهنیت عامه تا تظاهر کالبدی: امامزاده سیداسماعیل، تهران قاجاری و رفع تعارضات اجتماعی، تحقیقات تاریخ اجتماعی، ۶(۲)، ۶۵-۹۰.
- چاپرک، علی (۱۳۸۷)، ساخت‌گرایی اجتماعی، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۴(۵۷)، ۱۲۵-۱۴۶.
- خاک‌زند، مهدی؛ فیضی، محسن (۱۳۸۴)، تفکر طراحی در فرایند طراحی معماری، باغ نظر، ۲(۴)، ۱۳-۲۳.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴)، نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۹۰)، فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سلطانی، مهدی؛ ندیمی، هادی (۱۳۹۶)، بررسی باورهای عامه درباره‌ی تخت جمشید و آرامگاه کوروش بر اساس منابع مکتوب عصر قاجاری؛ مطالعات تاریخ فرهنگی، ۹(۳۴)، ۷۷-۹۶.
- سلطانی، مهدی؛ ندیمی، هادی (۱۳۹۷)، رساله‌های تذکرة‌البنیان و تذکرة‌الانبیاء، راهی به سوی ذهنیت معماران درباری معماری، صفحه ۲۸(۲)، ۲۶-۵.
- سلمان‌ساوجی، (بی‌تا)، غزل شماره ۳۲۴ دیوان اشعار، بازیابی در ۱۴۰۲/۶/۹، از گنجور: <https://ganjoo.net/salman/divanss/ghazalss/sh324>
- سلیمی، علی؛ داوری، محمد (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی کجروی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سیاوشی، لیلا (۱۳۹۲)، مسئله‌ی زیست‌جهان در پدیده‌شناسی هوسرل، شناخت، ۶(۲)، ۴۳-۶۸.
- شهری‌باف، جعفر (۱۳۸۳)، طهران قدیم، جلد ۳، تهران: نشر معین.
- شیروانی، زهرا؛ پرتوی، پروین و بهزادفر، مصطفی (۱۳۹۶)، تاب‌آوری فضایی بازارهای سنتی (موردپژوهشی: بازار قیصریه اصفهان)، باغ نظر، سال ۱۴(۵۲)، ۴۹-۵۸.
- عطار نیشابوری، (بدون تاریخ)، غزل شماره ۳۲۸ دیوان اشعار عطار، بازیابی در ۱۴۰۲/۶/۹، از گنجور: <https://ganjoo.net/attar/divana/ghazal-attar/sh328>
- غلامعلی فلاح، محمد (۱۴۰۰)، تبیین مبانی تاریخ معماری از طریق بررسی نسبت مفردات لفظ آن، صفحه ۳۱(۱)، ۹۷-۱۰۸.
- قیومی بیدهندی، مهرداد (۱۳۸۸)، سخنی در منابع مکتوب تاریخ معماری ایران و شیوه جست‌وجو در آن‌ها، گلستان هنر، ۱۵(۱)، ۵-۲۰.
- قیومی بیدهندی، مهرداد؛ شمس، امید (۱۳۹۱)، درآمدی بر تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران، مطالعات معماری ایران، ۱(۲)، ۵-۲۵.
- کمیلی، هادی؛ حمیدی‌زاده، محمدرضا و امین‌بیدختی، علی‌اکبر (۱۳۹۷)، طراحی و تبیین الگوی برندسازی مراکز تجاری در ایران، چشم‌انداز مدیریت بازرگانی، ۱۷(۳۴)، ۳۱-۵۲.
- کهنوند، مریم؛ حسینی، مهدی (۱۳۹۴)، دیدمان و بحران دیداری: خوانشی انتقادی از زندگی روزمره، کیمیای هنر، ۴(۱۵)، ۷-۱۹.
- محمدی، مسلم (۱۳۸۶)، دین و اخلاق در جامعه‌گرایی دورکیم و نقد آن؛ اندیشه‌ی دینی، ۷(۲۵)، ۱-۲۰.
- محمودی، سیدامیرسعید (۱۳۸۳)، تفکر در طراحی، معرفی الگوی تفکر تعاملی در آموزش طراحی: هنرهای زیبا، ۲۰(۲۰)، ۲۷-۳۶.
- مرادی، بهروز (۱۳۹۴)، نظریه‌های جامعه‌شناسی به زبان ساده؛ تهران: انتشارات بهمن برنا.
- معین، محمد، (بدون تاریخ)، ذهنیت، بازیابی در ۱۴۰۲/۸/۵، از واژه‌یاب: <https://vajehyab.com/moein/> ذهنیت
- موقن، یدالله (۱۳۸۳)، لوسین لوی‌برول و مسئله‌ی ذهنیت‌ها، ناقد، ۱(۳)، ۳۵-۱۳.
- مولوی، (بدون تاریخ)، غزل شماره ۱۵۱ دیوان شمس، بازیابی در ۱۴۰۲/۶/۹، از گنجور: <https://ganjoo.net/moulavi/shams/ghazalsh/sh151>
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴)، شرح زندگانی من، جلد اول، تهران: نشر زوار.
- مهدوی‌پور، حسین؛ جعفری، رشید؛ سعادت‌ی، پوراندخت (۱۳۹۲)، جایگاه جلوخان در معماری مسکونی بومی ایران؛ مسکن و محیط روستا، ۳۲(۱۴۲)، ۱۸-۳.
- Andersen, P. & Lange, E. F. (2010). *Mentality and Thought: North, South, East and West*; Copenhagen Business School Press DK.
- Enculturation. (n.d.). Retrieved 9 1, 2023, from Cambridge Dictionary: <https://www.merriam-webster.com/dictionary/enculturation>.
- Gudehus, Ch. (2016). On the significance of the past or present and future action, In G. Sebald and J. Wagle (Eds), *Theorizing Social Memories: Concepts and Contexts*, (pp. 84-98) . New York: Routledge.
- Malone, P. (2017). *Architecture, Mentalities and Meaning*. Taylor & Francis.
- Mentality (n.d.). Retrieved 9 1, 2023, from Cambridge Dictionary: <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/mentality>
- Mentality (n.d.). Retrieved 9 1, 2023, from Merriam-Webster Dictionary: <https://www.merriam-webster.com/dictionary/mentality>
- Møller, H. R. (2004). Mentality: a neglected field of investigation in intercultural studies, In M. Blasco and J. Gustafsson (Eds), *intercultural alternatives:critical perspectives on intercultural encountersin theory and practice*, (pp. 133-154). Copenhagen: Copenhagen Business School Press DK
- Paehlke, R. (2013). *Conservation and Environmentalism: An Encyclopedia*. Routledge.
- Pleßke, N. (2014). *The Intelligible Metropolis: Urban Mentality in Contemporary London Novels*; Transcript Verlag.
- Raafat, R. M., Chater, N., & Frith, C. (2009). Herding in humans. *Trends in Cognitive Sciences*, 13(10), 420-428.
- Stuart, R. S. (1986). Ideology, Theory, and Mentality: Some Issues in the Historical Study of Ideology. *labour history*, (50), 63-71.
- van Eijnatten, J. (2019). After Identity: Mentalities, European Asymmetries and the Digital Turn, In T. Hauswedell, A. Körner and U. Tiedau (Eds), *Re-Mapping Centre and Periphery: Asymmetrical Encounters in European and Global Contexts*, (pp. 44-60). UCL press.
- van Prooijen, J. W. (2018). Populism as political mentality underlying conspiracy theories. In B. Rutjens, & M. Brandt (Eds.), *Belief systems and the perception of reality* (pp. 81-96). Routledge.